

فوتبال، نام دیگر زندگی

کیپورد با نمایش جذابش مقابل آرژانتین، بار دیگر ثابت کرد این جام جهانی، ویتربینی از شگفتی هاست؛ جایی که تیم های کوچک انگار از دل فیلم های دراماتیک بیرون آمدند و ثانیه هاسر نوشت رویاها را عوض می کنند

سید مصطفی صابری | روزنامه نگار



جام جهانی ۲۰۲۶ تنها یک رویداد ورزشی نیست؛ یک «تئاتر عظیم بشری» است که پرده هایش هر روز ما را به تماشای غیر ممکن ها دعوت می کند. ما در این جام، معنای «شن» را دیدیم. از کیپورد که با استانداردهای فیفا حتی لیگ حرفه ای ندارد، اما مقابل مسی و یارانش تا لحظه آخر جنگید و به قلب ورزشگاه های بزرگ جهان سیلی زد، تا اروگونه و ترکیه که زیر بار سنگین نامشان خم شدند و در میانه راه، حذف شدن را تجربه کردند. این چرخش بی رحمانه ثروت و شهرت، همان چیزی است که زندگی را به فوتبال پیوند می زند. اما در مرکز این گردباد، داستان ایران بود؛ روایتی سرشار از «نزدیک بودن به رویا». تیم ملی ایران در این جام، سه بار تور دروازه را لرزاند، اما صدای خوشحالی اش با پرچم کمک داور یا تشخیص میلی متری کمک داور ویدئویی در گلو خفه شد. برای ایران، این جام یک تجربه عجیب مثل خواب بود؛ آن دو دقیقه جنون آمیز را به یاد بیاورید که چطور امید صعود با گل الجزایر جوانه زد و تنها دقیقه ای بعد، با گل اتریش در نطفه خفه شد. چه طنز تلخ و دراماتیکی بود که آن گل حذف کننده را کسی زد که دو بار مصدومیت شدید را تجربه کرده بود؛ بازیکنی که انگار از دل یک بازگشت معجزه آسا به زمین آمده بود تا رویاهای ما در چشم برهم زدن تمام کند. خلاصه فوتبال، خود خود زندگی است؛ در عریان ترین و صادقانه ترین شکل ممکن. هر گل، یک پیروزی کوچک بر تقدیر است و هر حذف، یادآوری این که هیچ چیز در این جهان بی ثبات، قطعی نیست. ما باید این داستان ها را جدی بگیریم؛ چون در این مستطیل سبز، چیزی فراتر از توپی می چرخد؛ اراده، صبر، نبوغ، و آن لحظه طلایی تسلیم نشدن. این جاذبه زندگی در فوتبال منعکس می شود و فوتبال، الهام بخش زندگی ماست. جایی که حتی در اوج شکست هم، درس هایی برای ایستادن دوباره نهفته است. جام جهانی، آینه ای است که ما در آن، نه فقط بازیکنان، که خودمان را در حال مبارزه با سرنوشت می بینیم.

جزیره ای که جهان فوتبال را غافلگیر کرد

تا پیش از جام جهانی ۲۰۲۶، برای بخش بزرگی از مخاطبان فوتبال، کیپورد بیش از آن که یک تیم ملی باشد، نامی بود روی نقشه؛ مجمع الجزایری کوچک در اقیانوس اطلس، در ساحل غربی آفریقا، با جمعیتی اندک، منابع محدود و حضوری کمرنگ در تخیل فوتبالی جهان. خیلی ها حتی نمی دانستند چنین کشوری وجود دارد، چه برسد به این که تصور کنند روزی در جام جهانی، رویه روی قدرت های بزرگ بایستد و وادارشان کند برای صعود بجنگند. وقتی جام جهانی ۴۸ تیمی شد، یکی از نقدهای همیشگی این بود که قرار است تیم هایی به تورنمنت بیایند که نه تجربه این سطح را دارند، نه لیگ های پرزرق و برق و نه ستاره هایی با قرارداد های نجومی. کیپورد، در نگاه نخست، برای بسیاری مصداق کامل همین تردید بود. اما فوتبال بار دیگر ثابت کرد واقعیت، اغلب از پیش داوری ها خلاق تر است.

کشوری کوچک با رویایی بزرگ

کیپورد کشوری جزیره ای است؛ سرزمینی دور افتاده و کم جمعیت که تاریخش با مهاجرت، کمبود، بقا و سازگاری گره خورده است. همین ویژگی ها، به شکلی جالب، در تیم ملی فوتبالش هم منعکس شده بود. آن ها تیمی بی ادعا اما منسجم بودند؛ تیمی که نه از نام ها نیرو می گرفت و نه از سابقه، بلکه بر پایه جان سختی، کار جمعی و ایمان به خلق شگفتی ساخته شده بود.

تیمی که قهرمان جهان را ترساند

کیپورد با سه تساوی به مرحله حذفی رسید؛ تساوی برابر اسپانیا، اروگوئه و عربستان. همین سه امتیاز، همین مقاومت پیوسته و همین نباختن به تیم هایی با سابقه و امکانات بیشتر، کافی بود تا روایت آن ها از یک «مهمان کم تجربه» به «پدیده قابل احترام» تغییر کند. اما نقطه اوج این داستان، جدال با آرژانتین و لیونل مسی بود؛ مسابقه ای که بسیاری پیشاپیش پایش را نوشته بودند. تصور غالب این بود که جرقه کیپورد در همین جا خاموش می شود و تیمی که با شجاعت بالا آمده، بالاخره با واقعیت بی رحم فوتبال روبه رو خواهد شد. با این حال، آنچه در زمین رخ داد چیزی بسیار فراتر از یک حذف ساده بود. کیپورد برابر آرژانتین ترسید. عقب ننشست تا فقط شکست را ببرد و مندانه تر کند. حمله کرد، دو بار گل مساوی زد و حتی قهرمان جهان را تا استانه اضطراب و حذف پیش برد، طوری که هواداران آرژانتین لحظات آخر دست به دعا منتظر سوت پایان بودند. کیپورد بازی را ۳ بر ۲ باخت، اما هر دو گلش زیبا و زنده بودند، به ویژه گل دوم که چیزی از یک لحظه شاعرانه کم نداشت.



قهرمانان برخاسته از خاکستر

جام جهانی ۲۰۲۶ تنها ویتربین توپ ها و تورها نبود؛ میدانی شد برای تجلی اراده انسانی. بازیکنانی که در این جام درخشیدند، نه فقط با تکنیک، بلکه با «تاب آوری» خود، تعریف تازه ای از قهرمانی ارائه دادند. در این جام، موفقیت نه در غیاب درد، که در قلب آن تعریف شد.

تیمیم شکستگی ها را اول خیم زن شش سال پس از شکستگی جمجمه که می توانست پایان زندگی ورزشی اش باشد، در این جام گل زد. او نه تنها بر تروما غلبه کرد، بلکه با تقدیم گل خود به پدر در گذشته اش، رنج شخصی را به معنایی متعالی تبدیل کرد. در سوی دیگر، ساشا کالادزیچ اتریشی قرار داشت؛ غولی که پیش از ۲۵ سالگی دوبار رباط صلیب پاره کرده بود. او در دقیقه ۹۶، گل تساوی دراماتیک اتریش را برابر الجزایر زد تا تیمش را از حفر نجات دهد و البته حسرتی بزرگ هم برای تیم ملی ما ساخت تا یادمان باشد برای موفقیت باید روی پای خودمان بایستیم و منتظر بقیه نباشیم. هر دو، نمونه بارز انسان هایی هستند که در برابر فروپاشی جسمی، به جای تسلیم شدن، به بازگشت اندیشیدند.

از پیک موتوری تا نیمکت افتخار

مربی تیم ملی اکوادور که روز های سختی را گذرانده، مصداق مهمی از تاب آوری و تسلیم نشدن است



پروستو عادل صدیق | کارشناس ارشد روان شناسی

رفتارهای انسانی در لحظات اوج هیجان، دقیق تر از هر آزمون روان شناختی، کیفیت روابط عاطفی ما را آشکار می کنند. در مسابقات اخیر جام جهانی فوتبال، پس از پیروزی شگفت انگیز تیم ملی اکوادور مقابل آلمان، قاب منحصر به فردی ثبت شد. سرمربی تیم ملی اکوادور که سال ها پیش به عنوان پیک موتوری برای امرار معاش می جنگید، در اوج هیاهوی ورزشگاه و لنز دوربین ها، مستقیم به سمت همسرش دوید و پیروزی بزرگش را با او جشن گرفت. این رفتار، فراتر از یک واکنش احساسی ساده، تجلی عینی مفاهیمی مانند «تاب آوری»، «دلبستگی ایمن» و «سیستم حمایتی خانواده» است. در مطلب امروز ما، منظر روان شناختی این موضوع را کالبد شکافی می کنیم.

۱. تقویت تاب آوری در ترافیک زندگی شغل قبلی این مربی یعنی پیک موتوری بودن، به معنای مواجهه هرروزه با استرس، سرما و خستگی مفرط است. در روان شناسی، به توانایی آدم ها برای بلند شدن بعد از هر زمین خوردن، «تاب آوری» می گویند. فردی که سال ها در کف خیابان برای بقا و یک لقمه نان جنگیده، ظرفیت بالایی در تحمل سختی ها پیدا می کند. این پیشینه ذهنی و سختکوشی ملموس باعث شد او در مواجهه با تیم قدرتمندی مثل آلمان، دچار ناامیدی و اسیر محدودیت ها نشود. این سرمربی درس بزرگ تاب آوری را نه در کتاب های دانشگاهی، بلکه پشت فرمان موتور و در دل ترافیک سخت زندگی آموخته بود. این که بعد از هر بار زمین خوردن یا بن بست، دوباره باید بلند شد، موتور امید را روشن کرد و به مسیر ادامه داد.

ZENDEGI - SALAM

روزنامه خراسان ضوی

یک شنبه • ۱۴ تیر ۱۴۰۵
۲۰ محرم ۱۴۴۸
۵ جولای ۲۰۲۶
شماره ۲۲۰۸۶
۳۳۰۰



ارتوپدی آغاز شد؛ جایی که پزشکان به والدینش می گفتند او ممکن است هرگز راه نرود. کودکی که به دلیل شرایط بدنی از باشگاه اندرلخت رد شده بود، حالا به دلیل درخشش در آینده وون و جام جهانی به بایرن مونیخ پیوسته است. صعود او از محدودیت های حرکتی مادرزادی به درخشش در بزرگترین صحنه جهان، ثابت می کند که استقامت، سخت ترین موانع بیولوژیک را هم در هم می شکند. سیببازی، تصویری زنده از این حقیقت است که اراده، بیولوژیک را شکست می دهد.

در ستایش استمرار و سرانجام، لوکا مودریچ؛ کسی که با باخشی بحث برانگیز برابر پرتغال، پرونده ملی اش با بیش از ۲۰۰ بازی ملی بسته شد. مودریچ نه «ستاره پر زرق و برق» بود و نه «پدیده کاربزماتیک»، اما او چیزی داشت که کمتر کسی در تاریخ فوتبال داشته: ثبات مطلق. او نه نوعی افسانه ای داشت و نه فیزیکی فرازمینی، اما با تمرکز و بی حاشیه بودن، یکی از پایدارترین نمایش های تاریخ فوتبال را ارائه داد. مودریچ نماد این حقیقت بود که برای ماندگاری، نباید لزوماً «خاص ترین» باشی؛ باشی، کافی است «پایدارترین» باشی.

تماشاچی موفقیت ما نیست، بلکه کارخانه تولید سرمایه روانی ماست. برنده واقعی دنیای امروز کسی نیست که بالاترین رتبه یا بیشترین درآمد دارد، بلکه کسی است که وقتی سوت پایان جنگ روز ما شد در جامعه زده می شود، خانه ای دارد که در آن بدون قید و شرط، فارغ از هر برد و باختی، امن ترین آغوش دنیا منتظر اوست. کانون خانه تان را به یک پایگاه ایمن تبدیل کنید، کسی چه می داند، شاید قهرمان بعدی که جهان را شگفت زده می کند، همین فرد خسته ای باشد که امروز به خانه شما پناه می آورد.



۲. همسر به عنوان «پایگاه ایمن» در روان شناسی مفهومی کلیدی به نام «پایگاه ایمن» وجود دارد؛ درست مثل کودکی که وقتی می ترسد یا خیلی خوشحال می شود، فوری می دود تا دست مادرش را بگیرد، ما بزرگسالان هم در لحظات اوج هیجان به یک پناهگاه نیاز داریم تا سیستم عصبی مان به تعادل برسد. این سرمربی با رها کردن تمام مدیران، بازیکنان و دوربین ها و پناه بردن به همسرش، این اصل را به نمایش گذاشت. ارزش یک رابطه اصیل در همین است؛ همسر او کسی است که او را نه به خاطر افتخار امروز، بلکه به خاطر خود واقعی اش و همان جوان خسته و بی نام و نشان سال های قبل دوست دارد.

۳. تراشیدن شاهکار از دل سنگ سختی ها در روان شناسی روابط، اصطلاحی به نام «پدیده میکل آنژ» وجود دارد. این تئوری می گوید همسران حامی، مثل یک مجسمه ساز ماهر، با باور و تشویق های خود، اضافات ناامیدی و ضعف را از وجود هم می تراشند تا استعداد های پنهان شریک زندگی شان شکوفا شود. همسر این مربی در روز های فقر، روایی او را مسخره نکرد، بلکه به او اعتماد به نفس و اعتبار عاطفی داد. دودیدن این مربی به سوی همسرش در برابر دیدگان جهان، عالی ترین فرم از یک قدردانی اصیل بود. او با این کار به همه ما یاد داد که موفقیت های بزرگ، هرگز یک پروژه انفرادی نیستند، بلکه محصول یک سرمایه گذاری عاطفی، صبوری و باور دوطرفه در کانون خانواده هستند.

هر قهرمان خانه ای برای بازگشت می خواهد

واقعیت این است که در زندگی روزمره، هیچ کدام از ما قرار نیست در ورزشگاه های بزرگ جهان مسابقه بدهیم، اما همه مان در بستر جامعه با مشکلات اقتصادی، دغدغه های شغلی یا بحران های روحی روبه رو می شویم که حکم همان تیم قدرتمند را دارند. قاب دودیدن این سرمربی به مایادآوری کرد که خانواده،